



تحلیل نقش سنت‌گرایان در شهرسازی معاصر (رهیافتی برای دستیابی به الگوهای تحقق‌پذیری شهر اسلامی)

سید مجید فارغیان قمی

دانشجوی دکتری شهرسازی، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف
آباد، ایران

فرشته احمدی

استادیار گروه شهرسازی، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد،
ایران (نویسنده مسئول)

مصطفی بهزادفر

استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

شیرین طغیانی

استادیار گروه شهرسازی، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد،
ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۲۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴

چکیده

سنت‌گرایی به‌عنوان رویکردی در فلسفه معاصر، مکتبی است که نسبت به مدرنیته، موضعی به‌شدت انتقادی دارد. آرا و دیدگاه‌های انتقادی سنت‌گرایان نسبت به مدرنیته در حوزه‌های گوناگون از جمله فلسفه هنر سبب شده‌اند دیدگاه‌های آنان در حوزه شهرسازی و معماری نیز مورد توجه و عنایت قرار گیرد. گرچه تقریباً هیچ‌یک از چهره‌های سرشناس و نظریه‌پرداز سنت‌گرا، معمار یا شهرساز نبوده‌اند، اما نقدهای جدی آنان به مدرنیته و بیان مفاهیمی چون «تقدس‌زدایی از فضای شهر» و «دنیوی‌سازی مکان و زمان» و نیز تدوین آثاری درباره هنر اسلامی و آسیب‌شناسی تمدن اسلامی (مانند بعضی آثار بورکهارت و سید حسین نصر) سبب شده‌اند دیدگاه‌های آنان به‌طور جدی در حوزه شهرسازی و معماری جوامع اسلامی به‌ویژه ایران مطرح و اثرگذار باشند.

در عین حال، آرای سنت‌گرایان با نقدهای جدی نیز مواجه بوده‌اند. این نوشته سعی دارد با بررسی دیدگاه‌های سنت‌گرایان و نقدهای وارد بر ایشان، ضمن ارزیابی نسبت به دست‌آوردها و کاستی‌های این مکتب به‌ویژه در حوزه شهرسازی ایرانی‌اسلامی، به تحلیلی درباره میزان اثرگذاری و قابلیت دیدگاه سنت‌گرایی در فرآیند تحقق شهر اسلامی ایرانی دست یابد. این نوشته به نقد و بررسی سنت‌گرایی طبق تعریف مصطلح آن می‌پردازد. سنت‌گرایان مزبور در مجموع دچار افراط و تفریط‌هایی شده‌اند. در این مقاله سعی می‌شود رویکردهای دیگری از سنت‌گرایان اصول‌گرا که همه‌جانبه‌گر و عمیق‌تر نسبت اسلام را با خلق آثار هنری و معماری و شهرسازی بیان نموده‌اند، برای تحقیقات بعدی و مکمل این تحقیق معرفی شوند.

این پژوهش به‌روش اسنادی-کتابخانه‌ای در مرحله جمع‌آوری اطلاعات و به‌روش استدلال منطقی در مرحله تحلیل و استنتاج به این نتیجه رسید که بخش بزرگی از دستاوردهای سنت‌گرایی در تقابل با مدرنیته در مقام نقد مدرنیته است. به‌نحوی که آسیب‌شناسی پیامدهای نامطلوب مدرنیته در حوزه شهرسازی و معماری توانسته است الهام‌بخش و عامل محرک برای بسیاری از اندیشمندان، صاحب‌نظران، اساتید و تصمیم‌گیران باشد. لکن در عمل و در مقام تحقق‌پذیری و دستیابی به شهر اسلامی توفیق‌چندانی پیدا نکرده است. در این متن تلاش شده است با کنکاش و بررسی این موضوع، به رهیافتی برای تحقق‌پذیری شهر اسلامی دست یابیم.

واژگان کلیدی: شهر اسلامی، سنت‌گرایی، نقد مدرنیته، شهرسازی معاصر.

۱. مقدمه

شهر اسلامی شهری است که تسهیل کننده زیست و سکونت مطابق با مطلوبیت های شرع مقدس اسلام باشد. دستیابی به چنین شهری از اهداف و آرمان هایی است که همواره از دغدغه های شهرسازان مسلمان بوده است. آنچه از ادبیات شهر اسلامی معاصر استفاده می شود، حاکی از این نکته است که طیف های گوناگونی از شرق شناسان و فقه پژوهان و سنت گرایان از زمره دنبال کنندگان این موضوع بوده اند.

سنت گرایی جریانی فکری است که در واکنش به روند روبه رشد مدرنیته در جهان امروز پدید آمده است (نژاد ایران، ۱۳۹۵، ۱۰۱). این رویکرد در تقابل با مدرنیته، به وجود یک سنت زنده و پویا و ازلی معتقد است که هرگز از بین نمی رود، واحد است و در قالب های گوناگون متجلی می شود. این معنا از سنت با سنت به معنای متعارف، یعنی آداب و رسوم و عادت متفاوت است. در این دیدگاه، سنت وسیله رسیدن انسان به خداست و در قلب تمام سنن، حکمت خالده [خرد جاویدان] وجود دارد. (امامی جمعه و دیگران، ۱۳۹۱، ۳۷) سنت گرایان و در رأس آن ها سید حسین نصر، کمتر در مقام معمار و شهرساز به اظهار نظر تخصصی و فنی در جزئیات و فنون طراحی معماری و طراحی شهری و شهرسازی پرداخته اند؛ اما با تبیین دیدگاه های کلیدی در حوزه معماری و شهرسازی اسلامی ایرانی و نیز آسیب شناسی وضع موجود معماری و شهرسازی جوامع مسلمان، اثرات چشمگیری بر پژوهشگران و حتی بر نهادهای تصمیم گیر و تصمیم ساز در این حوزه داشته اند. اگرچه تأثیرات نظری سنت گرایان در معماری و شهرسازی معاصر، عرصه کشمکش میان پژوهشگران بوده اند و به تبع آن، آثار مکتوب زیادی در این باره تولید شده اند، لکن نقش این رویکرد در مقام عمل و تحقق پذیری شهر اسلامی کمتر تحلیل شده است. از این رو، در این متن تلاش شده است با پاسخ به دو پرسش اصلی ذیل، به این موضوع پرداخته شود:

الف. دستاوردها و کاستی های رویکرد سنت گرایی در فرآیند دستیابی به شهر اسلامی چیست اند؟

ب. در صورت عدم توفیق، دلایل اصلی عدم تحقق پذیری در مقام عمل و اجرا چیست اند؟ تلاش شده است پس از معرفی اجمالی سنت گرایی، دیدگاه های آنان در حوزه شهرسازی و معماری اسلامی

معرفی شوند و پس از بررسی نقدهای مطرح درباره آرای سنت گرایان، نظر مختار پژوهش تبیین شود.

۲. سنت گرایی

۲-۱. سنت از منظر قرآن کریم

در قرآن کریم، واژه سنت ۱۶ بار به کار رفته است: ۱۴ بار به صورت مفرد و دو بار به صورت جمع (سنن). در موارد استعمال مفرد کلمه سنت، هشت بار به صورت «سنت الله»، یک بار به صورت «سنتنا» و یک بار به صورت «سنت ...» و چهار بار هم به صورت «سنت الاولین» به کار رفته است.

سنت الله و سنتنا:

فتح - ۲۳: «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»: این روش همیشگی خداوند است که در [تاریخ امت های] گذشته جاری بوده است و هرگز تغییری در روش و قانون خدا نخواهی یافت. احزاب - ۳۸: «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الذِّينِ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدْرًا مَقْدُورًا»: خداوند سنتش [و روش حکیمان] را درباره پیامبران گذشته نیز معمول داشته است. همواره فرمان خداوند مناسب و سنجیده است. احزاب - ۶۲: «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الذِّينِ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»: خداوند روش خودش را درباره کسانی که پیش از این در گذشتند، همین گونه قرار داد و برای روش خداوند، هیچ تغییری نخواهی یافت. اسراء - ۷۷: «سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدَ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا»: روشی است که همواره درباره [امت های] پیامبران پیش از تو جاری بوده است و برای روش ما هیچ تغییری نخواهی یافت. فاطر - ۴۳: «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا»: سنت خداوند تبدیل پذیر نیست و استثناپذیر و تحویل پذیر هم نیست (طباطبایی، ۱۳۹۱، ۸۸۵). غافر - ۸۵: «سُنَّتِ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ»: این سنت خداوندی است که برای همه بندگان جاری [و جاودانه] است. در این شش آیه، سنت الله به عنوان روش و قانون همیشگی و حکیمانۀ خداوند استفاده شده است که با گذشت زمان هیچ تغییری نخواهد یافت.

سنت الاولین:

حجر - ۱۳: «لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةَ الْأُولِينَ»: به آن ایمان نمی آورند [و بلکه مسخره می کنند]، البته روش پیشینیان هم چنین بوده است. کهف - ۵۵: «إِلَّا

می‌طلبد.

سید حسین نصر دربارهٔ تعریف مفهوم سنت بیان می‌کند: «دربارهٔ سنت هم من با تعریف گنون و شوان از آن موافقم... سنت در کاربرد ما از آن، به معنای حقایق دارای خاستگاه قدسی و منشأ وحیانی است. سنت به معنای حقایقی است که سرچشمه‌اش از قلمرو معنوی، از خدا و از حقیقتی غایی است که در هر تمدن دینی - تاریخی، جزئیات و نحوهٔ انتقال ویژه‌ای داشته است. به این ترتیب، سنت به معنای متداول کلمه نه تنها به معنای دین است، بلکه دین در دل آن جای می‌گیرد. ما هنر سنتی، پوشش سنتی، موسیقی سنتی، معماری [و شهرسازی] سنتی و علوم سنتی داریم که همهٔ آن‌ها بر اساس مجموعهٔ اولیه‌ای از حقایق مابعدالطبیعی پدید می‌آیند. همچنین از دل سنت، «قانون سنتی» آشکار می‌شود که همهٔ شئون زندگی را در بر می‌گیرد» (نصر، ۱۳۹۳، ۲۵۹).

اما سنت به این معنا، رودرروی تجددگرایی قرار می‌گیرد. تجددگرایی غیر از «معاصر بودن» است و این دو اصلاً یکی نیستند. تجددگرایی شیوهٔ نگرشی خاص به جهان [است] که در دورهٔ نوزایی شروع شد. آنچه انسان‌گرایی، عقل‌گرایی و دورهٔ نوزایی نامیده می‌شوند، حقیقت مطلق و نهایی متعالی از سطح انسان‌ها را انکار می‌کند و از نظام الهی به [نظام] انسانی فرو می‌افتد. تجددگرایی خود انسان را مطلق می‌گیرد و به انسان می‌داند و آن را در سطحی انسانی مطرح می‌کرد و به این ترتیب، عقل و منافع و ادراکات بشری را به معیاری برای واقعیت و معرفت و حقیقت تبدیل می‌ساخت (نصر، ۱۳۹۳، ۲۵۹ و ۲۶۰). سنت نخستینی وجود دارد که میراث اولیهٔ معنوی و عقلانی انسان نخستین یا مثالی است که مستقیماً از وحی رسیده است، آنگاه که عالم مُلک و ملکوت هنوز متحد بوده‌اند (نصر، ۱۳۷۹، ۱۱۰). سنت از نظر گنون، حقایق سرمدی‌اند که در طول زمان‌ها و مکان‌های مختلف بی‌تغییر و ثابت می‌مانند. از این رو، از وجهی همیشگی و همه‌جایی و همه‌زمانی برخوردارند. سنت از آغاز تاریخ با اسطوره‌ها و آیین‌ها و نمادهای ابتدایی آغاز شده است و آنگاه در ادیان تاریخی شکلی متکامل‌تر و منسجم‌تر یافته است (منصوری، ۱۳۹۴، ۴).

شوان در آثار خودش سنت را از سنت به معنای

«أَنَّ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ»: جز اینکه [منتظرند] روش ما [در نازل کردن عذاب] بر گذشتگان، [مجرم] به پیراغانش آید. انفال - ۳۸: «وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ»: [پیامبرم! به کفار قریش بگو] اگر به آزار مؤمنان بازگردند، به راستی سنت خدا که دربارهٔ نیاکانشان جریان یافت و آنان را هلاک کرد، در حق ایشان نیز جریان می‌یابد. فاطر - ۴۳: «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ»: آیا جز در انتظار سنت جاری خداوند دربارهٔ امت‌های پیشین می‌مانند (و آن عذاب الهی است)؟ در این سه آیه، سنت اولین یک بار به عنوان روش پیشینیان و سه بار به عنوان روش خداوند در خصوص امت‌های پیشین استفاده شده است.

سنن:

آل عمران - ۱۳۷: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»: [چون فرمان‌های عذاب بر ستمگران] به وقوع پیوستند، پس در زمین بگردید و با تأمل بنگرید که پایان [زندگی] منکران [حقایق الهی] چگونه بود؟

نساء - ۲۶: «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ»: خداوند اراده دارد [احکامش] را برایتان توضیح دهد و شما را به روش‌های [درست و استوار] پیشینیان راهنمایی کند. در این دو آیه نیز کلمهٔ سنن یک بار به عنوان روش خداوند دربارهٔ ستمکاران پیشین و یک بار هم به عنوان روش‌های درست پیشینیان به کار رفته است. بنابراین در زبان قرآن، سنت به معنای سنت الله، یعنی روش‌ها و قوانین تغییرناپذیر خداوندی و در دو مورد هم به معنای روش‌های پیشینیان آمده است.

۲-۲. سنت از منظر سنت‌گرایان

از جمله متفکران بسیار مهم این مکتب در سدهٔ بیستم می‌توان به رنه گنون فرانسوی (بعداً شیخ عبدالواحد یحیی)، آنده کومرا سوآمی [سیلانی] فریتیهوف شوان (بعداً عیسی نورالدین احمد)، تیتوس بورکهارت (بعداً ابراهیم عزالدین)، مارتین لینگر (بعداً ابوبکر سراج الدین) و دکتر سید حسین نصر اشاره کرد. موضوع مقاله حاضر پرداختن به دیدگاه‌های ایشان است و دیدگاه‌های معماران و شهرسازانی چون نقره‌کار و نقی‌زاده و اندیشمندان چون علامه طباطبایی، مرتضی مطهری، جوادی آملی، امام‌خمینی (ره) و... به عنوان گروه دوم که موضوع بحث نوشته حاضر نیست و فرصتی مبسوط و مجالی مستقل

و رساله دکترای خودش را درباره افکار سید احمد العلوی، صوفی مشهور الجزایری نوشت. از دیگر آثار او می‌توان به عارفی از الجزایر و عرفان اسلامی چیست؟ و باورهای کهن و خرافات مدرن اشاره کرد. تقریباً تمام فرق تصوف مذکور مربوط به شمال آفریقا بوده‌اند.

گون و شوان و بورکهارت سه نظریه‌پرداز اصلی سنت‌گرایی، سیر فکری مشترکی داشته‌اند. تعلق ابتدایی هر سه به مسیحیت سنتی بوده است، سپس با عرفان هندویی آشنا می‌شوند و بعد از آن از طریق عرفان اسلامی موجود در شمال آفریقا به اسلام گرویده‌اند (منصوری، تیموری، ۱۳۹۴، ۲). همان طور که دیده می‌شود، سنت‌گرایان (در اصطلاح رایج) با معماران و شهرسازی چون نقره‌کار، نقی‌زاده، حجت و... در موارد مهمی افتراق نظر دارند. مهم‌ترین افتراقات گروه اخیر با سنت‌گرایان مصطلح را می‌توان در عدم اعتقاد به خرد جاویدان و وحدت متعالی ادیان، عدم اعتقاد به کثرت‌گرایی دینی و عدم التزام به تصوف دانست.

۳. نسبت سنت‌گرایی با هنر و شهرسازی

نصر در کتاب هنر و معنویت اسلامی در پاسخ به این پرسش که سرمنشأ هنر اسلامی کجاست، چهار گزینه را مطرح می‌کند: الف. جهان‌بینی اسلام و وحی اسلامی [وجه باطنی و معنویت اسلامی]؛ ب. شرایط اجتماعی-سیاسی ناشی از ظهور اسلام؛ ج. شریعت الهی [یا همان فقه اسلامی]؛ د. علوم کلامی (نصر، ۱۳۸۹، ۱۳-۱۵). وی از بین چهار دیدگاه مذکور، دیدگاه اول را به‌عنوان نظر برگزیده خودش مطرح و بر آن تأکید می‌کند. وی درخصوص رد دیدگاه سوم که شریعت [فقه] اسلامی را سرمنشأ هنر اسلامی می‌داند، چنین بیان می‌کند: «هنر اسلامی نمی‌تواند از شریعت الهی منبعث شده باشد؛ چون شریعت در واقع رابطه میان خدا و فرد و جامعه را در ساحت عمل مشخص می‌دارد. شریعت در ایجاد حال‌وهوا و زمینه ایجاد هنر اسلامی، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند و محدودیت‌هایی برای بعضی هنرها [مانند تصویرگری و پیکره‌سازی] و مایه‌های دل‌گرمی برای بعضی دیگر [مانند خوش‌نویسی] پدید می‌آورد. به هر حال، شریعت در اصل حاوی احکام عملی برای مسلمین است، نه دستورالعمل‌هایی برای خلق چیزی [اثر هنری]. نقش شریعت در هنر، سوای ایجاد زمینه

آداب‌ورسومی متمایز می‌کند که رنگی از گذشته با خودشان دارند. سنت از نظر او حکمت و قانون ازلی و ابدی است که هم به‌لحاظ وجودی و هم به‌لحاظ تشریحی و هم به‌لحاظ حکمی زوال‌ناپذیر است (خندق‌آبادی، ۱۳۸۰، ۲۳).

سنت همواره مقدس است و هیچ سنتی بنا به تعریف، ساخته دست بشر نیست. چون سنت امر قدسی را اخذ کرده است و آن را انتقال می‌دهد و به کار می‌بندد و از راه‌ها و ابزار گوناگون، مرئی و ملموس می‌سازد. در حالی که «امر قدسی» حقیقتی است که سنت انتقال‌دهنده آن است. از این‌رو، سنت با مدرنیسم و مدرنیته، سر‌ناسازگاری دارد. امر قدسی نیز با تقدس‌زدایی و دنیوی‌سازی که مشخصه دنیای [امروز] ماست، جمع‌پذیر نیست (نصر، ۱۳۷۹، ۲۸۹ و ۲۹۰).

می‌توان اصول سنت‌گرایی را این‌گونه فهرست کرد: «۱- حکمت خالده یا فلسفه جاودانه یا خرد جاویدان؛ ۲- وحدت متعالی ادیان [اعم از ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی]؛ ۳- کثرت‌گرایی (پلورالیسم) دینی؛ ۴- گرایش به عرفان و تصوف؛ ۵- انتقاد از غرب و دنیای مدرن؛ ۶- اعتقاد به علم و هنر قدسی در برابر علم و هنر مدرن» (مقاله سنت‌گرایی در ویکی‌فقه <http://wikifqh.ir>، تاریخ مراجعه 1400/6/17).

ایشان معتقدند که سنت یا حکمت جاودان در قالب‌های هنری نمادین و رمزگونه ظاهر می‌شود، به این معنا که صورت‌های هنر سنتی، نماد یک معنای والاتر و برترند و کلید فهم معنای هنر سنتی، توجه به ماهیت رمزگونه آن است. در نزد ایشان، هنر سنتی شیوه‌ای است که سنت از طریق آن سخن می‌گوید و وسیله‌ای است که با آن می‌توان از ظاهر به باطن رسید (کدیور، کرمی، ۱۳۸۴، ۲۱۷).

بیشتر چهره‌های شاخص سنت‌گرا مانند رنه گنون، فریتهوف شوآن، مؤلف کتاب‌های عرفان دانش ابدی است (۱۹۵۹)، گوهر و صدف عرفان اسلامی (۱۹۸۱)، زیبایی عرفان (۱۹۹۲) و... تیتوس برکهارت، مؤلف کتاب آئین تصوف، مارتین لینگز و سید حسین نصر کاملاً به تصوف گرایش داشتند و دارند. سید حسین نصر رئیس شاخه مریمیّه از عرفان متصوفه شاذلیه است. لینگز هم که در ابتدا مسیحی پروتستان بود، بعداً پیرو همین طریقت شد

رخ داده‌اند که بسیار مایه ناراحتی است؛ زیرا این‌ها همه در تقدس‌زدایی فضای شهر سهیم بوده‌اند (نصر، ۱۳۹۳، ۲۲۱ و ۲۲۲). وی موانع سر راه «معماری مقدس» را چنین برمی‌شمارد: ۱. سکولاریزاسیون [دنیوی‌سازی]؛ ۲. غرب‌زدگی؛ ۳. عوامل اقتصادی؛ ۴. طمع‌ورزی؛ ۵. رشد جمعیت (نصر، ۱۳۹۳، ۲۲۵).

همچنین نصر راهکار مقابله با این شرایط را در «فهم دوباره اصول معماری [و شهرسازی] اسلامی و ساخت‌وساز برپایه آن [اصول]» می‌داند (همان، ۲۲۲) و برای تحقق این امر، تحول در نظام آموزشی معماری و شهرسازی کشور را یک ضرورت می‌داند: «باید نظام آموزشی‌مان را متحول سازیم تا نگرشی واقعا اسلامی را به معماری و برنامه‌ریزی شهری پدید آوریم؛ چیزی که متأسفانه تاکنون توجه چندانی به آن نکرده‌ایم و از بزرگ‌ترین مصائب ایران و نیز سرتاسر جهان به شمار می‌آید. اگر ایران می‌خواهد که فرهنگ خودش را ارج نهد و جلوی تقدس‌زدایی از آن را بگیرد، باید که طراحی را بسیار جدی بگیرد؛ چون این امر در فضای زندگی مردم نقشی تعیین‌کننده دارد. البته بسیاری از عوامل دیگر نیز در فرآیند تقدس‌زدایی نقش دارند؛ اما هنر و معماری در این میان از همه مهم‌ترند» (همان، ۲۲۴ و ۲۲۵).

او کنار ضرورت تحول در نظام آموزشی معماری و شهرسازی کشور در راستای آن، به ضرورت «اصل تهذیب نفس هنرمندان، معماران و شهرسازان» تأکید می‌کند: «امروزه در دنیای مدرن، بیشتر معماران سرشناس و نیز هنرمندان، نفوس بسیار فزون‌خواهی دارند؛ چراکه تربیت هنرمندان ما نه بر پایه تربیت نفس و انضباط‌بخشی به آن، بلکه بر اساس پروبال دادن فردگرایانه به آن است. به نظر من در ایران باید معمارانی را تربیت کنیم که دست‌کم به اسلام ایمان داشته باشند. کسی که به مقدسات مؤمن نباشد، زنه‌ار که بتواند عمارت‌های مقدسی بیافریند» (همان، ۲۲۷ و ۲۲۸). به بیان ساده‌تر، «از کوزه همان برون تراود که در اوست» و از کوزه خالی یا پر از خاک چیزی تراوش نخواهد کرد. اصل تهذیب نفس معماران و شهرسازان، با این عنوان اولین بار توسط عبدالحمید نقره‌کار در کتاب درآمدی بر اصول و مبانی معماری و شهرسازی اسلامی مطرح گردید و در کتاب حکمت اسلامی، در هنر و معماری نیز مجدداً آن را تبیین کرده

اجتماعی کلی، شکل‌دادن به نقش هنرمند از طریق ایفای پاره‌ای گرایش‌ها و فضایل خاص منبعث از قرآن و حدیث و سنت پیامبر است. اما راهنمایی برای خلق هنری قدسی اسلامی ارائه نمی‌دهد (همان، ۱۵).

دیدگاه نصر از این جهت قابل توجه است که با انتشار شهرهای عربی اسلامی سلیم بسیم حکیم، فصل تازه‌ای در سیر تطور مفهوم شهر اسلامی گشوده شد و از آن پس تلاش‌های زیادی برای فهم کالبد شهر اسلامی براساس فقه و شریعت اسلامی صورت گرفت و در ایران نیز دنبال می‌شود. این دیدگاه نصر با دیدگاه پژوهشگرانی که فقه را به‌عنوان یکی از عوامل اصلی شکل‌دهنده کالبد شهرهای اسلامی می‌شناسند در تضام است.

در عین حال، نصر به‌عنوان نماینده سنت‌گرایان و در تبیین تقابل دائمی تعریف و مفهوم سنت با تجددگرایی، دو مفهوم کلیدی، «دنیوی‌سازی مکان و زمان» و «تقدس‌زدایی از فضای شهر» را مطرح می‌کند: «در دنیای جدید، در پی دنیوی‌سازی مکان و زمان، زندگی نیز از تقدس افتاد و در پی آن، انسان جدید به جایگاه مکان مقدس، حتی فکر هم نمی‌کرد. اما از دست رفتن امر قدسی کم‌کم دنیوی‌سازی جهان ما را که البته شامل مکان و نیز فضای طبیعت دست‌نخورده هم بود، در پی داشت و این‌گونه بود که ما به بریدن درختان و نابودی جنگل‌ها دست یازیدیم، بی‌آنکه هیچ توانی بدهیم (نصر، ۱۳۹۳، ۱۰۰). در جای دیگر می‌گوید: «این فرآیند [تقدس‌زدایی] نه فقط در ایران و در دیگر کشورهای اسلامی، بلکه در سرتاسر آسیا و آفریقا به‌طور مشخص از سده نوزدهم با یورش استعمار غرب و الگوگیری از معماری و شهرسازی و دیگر چیزهای غرب مدرن (که از هر اصل و اصول معنوی به دور بود) آغاز شد.

این فرآیند در ایران از اواخر سده نوزده و اوایل سده بیست شروع شد؛ اما در دوره پهلوی به اوج رسید. مایه بسی ناراحتی است که هرچند انقلاب اسلامی به‌نام اسلام رخ داد، در آغاز توجه چندانی به هنر [معماری و شهرسازی] اسلامی نشد و فرآیند نوسازی فضاها که در طول دوره پهلوی شاهد آن بودیم، [با همان شیوه و همان نوع نگرش] ادامه یافت و حتی شتاب بیشتر گرفت. تهران سه‌ونیم‌میلیونی [دوره پهلوی] اکنون دوازده میلیون جمعیت دارد و پر است از ساختمان‌های بلند و آسمان‌خراش‌ها. باغ‌های قدیمی شمیران ویران شدند و بسیاری فجایع دیگر

است: «هنر کمال جو و ارزشمند، دستاورد کار معماران و شهرسازی است که هنجارهای اخلاقی ای را که در ارزش های اسلامی متجلی شده اند، در خود رشد می دهند و با ایمان و تهذیب نفس و دوری از هواهای نفسانی و منیت ها، دست به کار آفرینش می زنند. در غیر این صورت، همه اصول پیشین هم نمی توانند تضمین کننده ارزشمندی یک کار باشند. هنگامی چنین ضمانتی پاینده است که هنرمند با پایبندی به ارزش های اصیل و اخلاق اسلامی، در این راه گام برداشته باشد» (نقره کار، ۱۳۹۴، ۳۵۷).

از والتر گروپیوس، بنیان گذار باوهاس در آلمان، خواسته بودند برای دانشگاه بغداد که در حال ساخت بود، مسجدی بسازد. این مرد که یکی از معماران بزرگ غرب در سده بیستم به شمار می رفت، دست کم از این عقل سلیم برخوردار بود که روزی به من تلفن کرد و گفت: «من ساختمانی را که کارکردش را ندانم، نمی سازم. این کار از من ساخته نیست. من که به آن سنت تعلق ندارم.» «تربیت شاگردان به آموختن گنبد و مقرنس و حتی جهان شناسی اسلامی (که پایه معماری سنتی است) محدود نمی شود، بلکه باید شاگرد، تربیت اخلاقی و معنوی شود که متأسفانه در دانشکده های معماری کمتر از آنچه شایسته آن است، به این امر توجه می شود. از این لحاظ باید گفت که فرق بین اکثر دانش آموختگان دانشگاه های ما و معماران سنتی، فاحش است. اینکه تهران فعلی [به عنوان پایتخت جمهوری اسلامی ایران] این قدر از زشتی معماری رنج می برد، در حالی که شهرهای سنتی ما (تا آنجا که باقی مانده اند) این قدر زیبا هستند، معلول عوامل متعدّد است که یکی از مهم ترین آن ها، از بین رفتن تربیت اخلاقی و معنوی شاگردان معماری در مدارس تجددمآبانه ماست» (نقی زاده، ۱۳۹۵، ت تا ح، نقل از سید حسین نصر).

محورهای اصلی دیدگاه های نصر در حوزه شهرسازی اسلامی:

۱. وحی و وجه باطنی اسلام منشأ اصول ناظر بر نحوه ساخت و ایجاد محیط زندگی است (وحی عامل مهم شکل دهنده کالبد شهر اسلامی)؛ ۲. لزوم وجود معماری و شهرسازی اسلامی برای ایجاد فضایی مناسب با ظهور کلام الهی و نقش راهبردی معماران و شهرسازان اسلامی برای خلق این گونه فضاها؛

۳. توجه و تأکید بر حفظ و احیای شعائر اسلامی؛
۴. اصل تهذیب نفس معماران و شهرسازان و لزوم درونی شدن ارزش های اسلامی برای ایشان: این عبارت نصر که «معمار سنتی، اسلامی می سازد ولی همیشه با آگاهی [به این] که صانع اصلی خداست و آنچه معمار می سازد باید این حقیقت را به نحوی متجلی کند»، بر این نکته اساسی اشاره و تأکید می کند که معمار و شهرساز اسلامی یک معمار و شهرساز سکولار و بی تفاوت به ارزش های اسلامی و نامقید به آداب اسلامی نیست و نمی تواند باشد. این مفهوم و توجه به مبدأ و معاد یکی از تفاوت ها و تمایزات بین «علم دینی» و غیردینی (سکولار) است که مورد توجه اندیشمندان مسلمان دیگر مانند جوادی آملی نیز بوده و تبیین شده است (تأکید بر آموزش شهرسازی و معماری همراه با تربیت اخلاقی)؛

۵. تغییر ساختار و سازمان آموزش معماری و شهرسازی به عنوان یک راهبرد اصلی احیای معماری و شهرسازی اسلامی؛

۶. تأیید و تأکید بر انطباق نسبی شهرهای دوره اسلامی با ارزش های اسلامی و لزوم مراجعه به آنها به عنوان یکی از منابع شناخت شهرسازی اسلامی خصوصاً در حوزه فنون و روش های کالبدی با هدف تحقق ارزش های اسلامی.

به نظر می رسد علی رغم قوت گرفتن رویکردهای پژوهشی جدید در حوزه شهرسازی اسلامی، مانند رویکرد فقهی، کماکان تأثیر سنت گرایان در این حوزه تداوم دارد. دیدگاه های سنت گرایان و به خصوص چهره شاخص ایرانی آنها، یعنی سید حسین نصر دربارۀ نقد مدرنیته و تأثیر آن بر معماری و شهرسازی کشورهای اسلامی به ویژه ایران، بر بسیاری از کنشگران حوزه معماری و شهرسازی ایران از دانشجویان تا اندیشمندان و صاحب نظران و تصمیم گیران مؤثر بوده است. برای مثال، در بسیاری از آثار نقی زاده، ارجاعات مکرر و صریح به آثار و دیدگاه های نصر (به عنوان نماد حاضر سنت گرایان معاصر) دیده می شوند. توجه به پیشگفتار کتاب نظریه فضای حیات طیبیه: شهر آرمانی اسلام که تقریباً جامع تمام آرا و نظرات نقی زاده تا تاریخ نشر آن است، هم به فهم بهتر دیدگاه های نصر و هم به تأثیر این دیدگاه ها بر پژوهشگران حوزه معماری و شهرسازی اسلامی کمک شایان می کند: «هر دین آسمانی با توجه به اصل توحید،



سنتی، اسلامی می‌سازد؛ ولی همیشه با آگاهی [به این] که صانع اصلی خداست و آنچه معمار می‌سازد باید این حقیقت را به‌نحوی متجلی کند. معماری سنتی اسلامی دو اصل هنر و اخلاق توأم با معنویت را با هم در بر دارد. باید به خاطر داشت که در تمدن اسلامی، در تمام علوم و فنون، تعلیم با تربیت توأم بود. جنبه تربیت و توجه به اخلاق در فتوات و اصناف سنتی مخصوصاً معماری پابرجا بود و سخت به آن توجه می‌شد. اتفاقی نیست که تا به امروز، معماران سنتی متدین‌اند و از سجایای اخلاقی برخوردار (نقی‌زاده، ۱۳۹۵، ت تا ح، نقل از سید حسین نصر). مباحث مربوط به سنت‌گرایان و شهر اسلامی را می‌توان در جدول زیر خلاصه کرد:

نه فقط شریع و قوانینی نازل می‌کند که پیروان آن دین باید به این دستورات عمل کنند، بلکه به‌علاوه، منشأ اصولی است که ناظر بر نحوه ساختن و ایجاد محیطی است که پیروان در آن زندگی می‌کنند.»

احکام شرعی و اجتماعی، شرایط ظهور هنر و معماری را در جامعه تعیین کردند؛ ولی منشأ خلقت آن نبودند. معماری اسلامی مبتنی بر ایجاد فضایی است مناسب با ظهور کلام الهی و حضورش در آن فضا. در شهرهای سنتی اسلامی، صدای تلاوت کلام‌الله همه فضای شهر را در بر می‌گرفت [شعائر اسلامی] و معماران اسلامی، فضاهایی به وجود آوردند که شایستگی این حضور را داشته باشد یا لاقلاً در این امر اساسی، یاری کند. معمار

جدول ۱. معرفی مختصر سنت‌گرایی و موضع آن نسبت به شهر اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های سید حسین نصر (مأخذ: نگارنده)

نام مکتب	اندیشمندان شاخص	مفاهیم کلیدی	دیدگاه‌های کلیدی در شهرسازی و معماری	راهکارهای پیشنهادی (نصر)	موانع پیش رو
رنه گنون فرانسوی (۱۵۹۱م)	ابراهیم بورکهارت (۴۸۹۱م)، آلمانی	سنت به معنای «حقایق دارای خاستگاه قدسی و منشأ وحیانی»	و‌حی، ریشه و منشأ هنر و معماری اسلامی	- فهم دوباره اصول معماری و شهرسازی اسلامی	- سکولاریزاسیون - غرب زدگی
فریتیهوف شوان (۱۸۹۱م) سوییسی	سید حسین نصر (متولد ۲۱۳۱ ش)	تقابل با تجددگرایی غربی	- دنیوی سازی مکان و زمان - تقدس زدایی از فضای شهری	- ساخت و ساز براساس اصول اسلامی - تربیت معماران و رشد جمعیت	- عوامل اقتصادی - طمع ورزی
مارتین لینگز (۵۰۰۲م) انگلیسی	آنده کومراسوامی (۷۴۹۱م)	متعالی ادیان - گرایش به تصوف	- ارتباط فضای سنتی با عالم روح	- تربیت معماران و رشد جمعیت	- رشد جمعیت
		- اعتقاد به علم و هنر قدسی در مقابل علم و هنر مدرن	- احترام به طبیعت و حفظ آن	- شهرسازان مهذب در مقابل آموزش صرف و سکولار	
		- هنر اسلامی به عنوان هنری انتزاعی، نمادین، رمزگونه و معنادار	- عدم طراحی، معماری و شهرسازی براساس سنت	- تحول در نظام آموزش شهرسازی و معماری	

دین ترجمه و چاپ شده است و نیز مقاله‌ای با عنوان چرا من سنت‌گرا نیستم؟ به نقد دیدگاه‌های سنت‌گرایان می‌پردازد. از دیدگاه او، هرچند سنت‌گرایان درک و شناخت فراوانی از نقایص مدرنیته دارند، نقدهای آنان بر مدرنیته از کاستی‌هایی رنج می‌برند. برخی از کاستی‌های عنوان‌شده لگنهاوزن عبارت‌اند از:

الف. «سنت‌گرایان مفاسد مدرنیته را با تصویری تخیلی از جوامع سنتی مقایسه می‌کنند» (لگنهاوزن، ۱۳۸۶، ۴۹۶).

ب. «تحلیل سنت‌گرایان از جوامع پیشامدرن به‌گونه‌ای است که ارزیابی درست و منصفانه درمورد تفاوت‌های اساسی آن جوامع را نشدنی می‌سازد؛ چراکه انگیزه و عامل تحلیل سنت‌گرایان بر این پیش‌فرض استوار است که جوامع سنتی پیشامدرن بر پایه اصول مشترک استوار

۴. بحث و تحلیل

۴-۱. نقد دیدگاه‌های سنت‌گرایان از منظر

اندیشمندان

منتقدان به اندیشه‌های سنت‌گرایی گاه به مبانی فلسفی و متافیزیکی و گاه نیز به نتایج فکری ایشان در عرصه‌های متفاوت [از جمله شهرسازی و معماری] خرده گرفته‌اند (موسوی گیلانی، ۱۳۹۳، ۴۸). در ادامه، چهار نقد به‌عنوان محور بحث موردتوجه قرار می‌گیرند. دو نقد اول با رویکرد فلسفی و دو نقد دیگر ناظر به موضوع‌شناسی و در حوزه معماری و شهرسازی، آرای سنت‌گرایان را بحث و تحلیل می‌کند.

الف- دیدگاه محمد لگنهاوزن

دکتر محمد لگنهاوزن در کتاب مسائل معاصر اندیشه اسلامی که در ایران با عنوان سیاحت اندیشه در سپهر

شده‌اند.» در حالی که بعضی از جوامع پیشامدرن نسبت به هم تفاوت‌های اساسی و ساختاری دارند.

ج. «سنت‌گرایان از خود سنت (به‌طور کلی) به‌منزله معیار ارزیابی خود، جانب‌داری می‌کنند. این نقد را می‌توان نقدی منطقی دانست که وجود تناقض در درون دیدگاه سنت‌گرایان را نشان می‌دهد و نیز می‌توان آن را نقدی کلامی [اعتقادی] دانست، به این معنا که سنت‌گرایی، سنت را به‌گونه‌ای تعالی بخشید و می‌ستاید که مورد تأیید آموزه‌های اسلام نیست.»

د. «سنت‌گرایان [هرگونه] تحول و تغییر را مخالفت با امر مقدسی می‌دانند که در سنت تجلی یافته است و از همین رو، عدول از سنت را بدون هیچ‌گونه ارزیابی درباره صحت و سقم آن، محکوم می‌کنند.»

سنت‌گرایی که خودش را وارث میراث حکمت [خالده] فرهنگ‌های سنتی جهان می‌داند، در واقع مانع از آن می‌شود که حکمت برای بررسی انتقادی شرایط جوامعی استفاده شود که به نظر سنت‌گرایان، جوامع سنتی اصیل هستند» (همان، ۴۹۷).

لگنهاوزن در یک جمع‌بندی نقاط قوت و ضعف سنت‌گرایان در مواجهه با مدرنیته را این‌چنین بیان می‌کند:

«سنت‌گرایی از آن‌رو در نقد مدرنیته ناکام است که: - روش مرموز و غیرمعمولی را به کار می‌گیرد- و جزئیات تاریخ را نادیده می‌انگارد. - درباره ویژگی‌های هر دو جامعه مدرن و سنتی دچار نوعی ساده‌انگاری

بیش‌از حد می‌شود- و با قراردادن خود سنت به‌مثابه معیار ارزیابی‌های خود، اصول اخلاقی سنت‌ها را _ که مدعی دفاع از آن است- زیر پا می‌نهد. _ هیچ‌گونه پیشنهاد مفیدی درباره چگونگی ارتقای جامعه، اصلاح نهادهای آن یا مواجهه با تغییرات در حال وقوع تدارک نمی‌بیند؛ چراکه سنت را به‌منزله مظهر اصول الهی ستوده است و با هرگونه عدول از آن مخالفت می‌ورزد. بنابراین؛ اشکالاتی که بر نقد سنت‌گرایان [از مدرنیته] واردند، هم روش شناختی است و هم کلامی.

به‌رغم این اشکالات:

[الف]. ایدئولوژی سنت‌گرا می‌تواند در این امر مفید افتد که به مقاومت برابر کسانی دامن زند که از مدرنیزاسیون، پیشرفت و روند صنعتی شدن با تقلید از الگوی غربی آن جانب‌داری می‌کنند.

[ب]. سنت‌گرایی در برشماری اشکالات مهم و فراوان مدرنیته موفق بوده است. اشکالاتی از قبیل: از میان رفتن امور مقدس با ظهور سکولاریسم [تقدس‌زدایی]؛ از میان رفتن ارزش‌های ذاتی با ظهور عقلانیت ابزاری؛ از میان رفتن هنر و استعداد [انسانی] با ظهور فرآیند صنعتی شدن و به‌کارگیری دستگاه‌های خودکار؛ فقدان جهان‌بینی منسجم با پیدایش پلورالیسم (تکثرگرایی) و گرایش شدید به تخصص» (همان، ۴۹۷).

می‌توان تحلیل لگنهاوزن را درباره آرای سنت‌گرایان به‌صورت جدول زیر خلاصه کرد.

جدول ۲. چکیده تحلیل لگنهاوزن درباره آرای سنت‌گرایان در مقام نقد مدرنیته (مأخذ: نگارنده)

نقاط ضعف	نقاط قوت
۱- به‌کارگیری روش مرموز و غیرمعمولی [راز آلودگی]؛	- مقاومت برابر مدرنیزاسیون، پیشرفت و صنعتی شدن با تقلید از الگوی غربی آن؛
۲- نادیده‌انگاری جزئیات تاریخ و عدم ایتنای نقد سنت‌گرایان نسبت به مدرنیته بر تحلیل تاریخی؛	- توفیق در برشماری اشکالات مهم مدرنیته از قبیل: تقدس‌زدایی با ظهور سکولاریسم؛
۳- ساده‌انگاری بیش از حد درباره ویژگی‌های هر دو جامعه مدرن و سنتی؛	- از میان رفتن ارزش‌های ذاتی با ظهور خردگرایی ابزاری؛
۴- قراردادن خود سنت به‌مثابه معیار و ارزیابی‌های خود؛	- از میان رفتن هنر و استعداد انسانی با ظهور فرآیند صنعتی شدن؛
۵- عدم ارائه پیشنهاد مفید برای ارتقای جامعه و اصلاح نهادهای اجتماعی در مواجهه با تغییرات در حال وقوع؛	- فقدان جهان‌بینی منسجم با پیدایش تکثرگرایی [دینی] و تخصص‌گرایی شدید.
۶- ستایش سنت به‌منزله مظهر اصول الهی و مخالفت با هرگونه عدول از آن.	

دیگر، از دیدگاه وی، سنت‌گرایی صرفاً از راه نقد مدرنیته خودش را می‌شناساند.

«بررسی مبانی سنت‌گرایی نشان می‌دهد سنت‌گرایی یک جریان فکری مدرن است که خودش را به‌واسطه

ب- دیدگاه نژاد ایران: سنت‌گرایی به‌مثابه «مدرنیته‌ستیزی مدرن»:

نژاد ایران سنت‌گرایی را فاقد ماهیت ایجابی و آن را صرفاً دارای ماهیت سلبی برابر مدرنیته می‌داند. به‌بیان



یک نگاه مدرن است که در آن سنت بر مبنای نقد مدرنیته تعریف می‌شود. در حقیقت، واژه سنت در ادبیات سنت‌گرایان، بیشتر از آنکه با واقعیت تاریخی سنت‌های گذشته مطابقت داشته باشد، یک غیر است؛ چیزی که مفهوم خودش را در دیگری خودش، یعنی مدرنیته باز می‌یابد.»

سنت‌گرایی از یک سو به نفی مدرنیته به‌سود سنت‌های پیشامدرن می‌پردازد و از سوی دیگر با گسست از مبانی پیشامدرن، منطق درونی مدرنیته در تقسیم‌بندی بر دوگانگی سنت و مدرنیته را می‌پذیرد و بازتولید می‌کند. تناقض بنیادین سنت‌گرایی در بازتولید دوگانگی سنت - مدرنیته (غیریت‌سازی سنت و مدرنیته) است. این دوگانگی یکی از دستاوردهای نگرش مدرن به جوامع پیشامدرن است. به عبارت دیگر، ادعاها و استدلال‌های سنت‌گرایی را صرفاً با منطق و زبان مدرنیته می‌توان فهم کرد» (همان، ۱۱۵).

انتقادات نژاد ایران را می‌توان در سه محور زیر خلاصه کرد:

۱. نبود ماهیت ایجابی برای سنت‌گرایی: سنت‌گرایی فقط در هنگام نقد مدرنیته ظهور و بروز پیدا می‌کند و قابل‌شناسایی است؛

۲. نبود تطابق دیدگاه‌های سنت‌گرایان با الگوهای زندگی و واقعیت‌های تاریخی جوامع پیشامدرن: نبود هم‌خوانی سنت‌گرایی با انگاره‌های سنتی؛

۳. پذیرش و بازتولید منطق درونی مدرنیته مبنی بر غیریت‌سازی سنت و مدرنیته.

ج. دیدگاه عیسی حجت

عیسی حجت به‌عنوان استاد معماری در مقاله خودش با عنوان سنت سنت‌گرایان و سنت‌گرایی معماران، به نقد دیدگاه‌های سنت‌گرایان به‌ویژه در حوزه معماری و شهرسازی می‌پردازد. وی در یک تقسیم‌بندی، سنت را به سه نوع سنت مقدس یا سنه الله (برخاسته از کلام الهی و به‌عنوان راه‌روسم بندگی انسان) و سنت مجرب (اندوخته و دست‌یافته پیشینیان برای آیندگان) و سنت افسانه‌ای یا اسطوره‌ای (به‌عنوان نهاد آرزوها و نیازهای برآورده‌نشده انسان) تقسیم می‌کند و اعتقاد دارد که سنت سنت‌گرایان به سنت افسانه‌ای گرایش بیشتری دارد. از نگاه حجت، «سنت‌گرایی، پدیده‌ای مدرن است؛ آن زمان که ترکش‌های مدرن‌اندیشی بنیان‌های سنتی

نفی مدرنیته به‌نفع جهان پیشامدرن تعریف می‌کند. این جریان فکری فاقد هرگونه ماهیت ایجابی است و صرفاً می‌توان آن را در نسبت سلبی با مفاهیم اصلی مدرنیته نظیر علم مدرن درک کرد. سنت‌گرایی بیش از آنکه برآمده از اصول و مبانی سنتی و مذهبی باشد، نوعی ایدئولوژی مدرن است که بر مبنای مدرنیته‌ستیزی شکل گرفته است و هویت خودش را به‌صورت سلبی و از طریق نفی مدرنیته تعریف می‌کند. پیوند سلبی سنت‌گرایی با مبانی و دستاوردهای فکری و تمدنی مدرنیته به‌مراتب قوی‌تر و قابل‌مشاهده‌تر از پیوند ایجابی آن با مبانی فکری و الگوهای تمدنی سنتی (پیشامدرن) است. سنت‌گرایی نیز مثل مدرنیته سنت را به یک کلیت که هویت آن با غیریت‌سازی سنت و مدرنیته معنا می‌یابد، فرو می‌کاهد. به بیان ساده‌تر، سنت‌گرایان با همان رویکردی به بررسی سنت (جهان پیشامدرن) می‌پردازند که مدرنیته آن را مورد مطالعه و نقد قرار می‌دهد.»

«رویکرد سنت‌گرایی نظیر سید حسین نصر به مفاهیم و مبانی سنتی، اغلب با نگرش‌های سنتی متفکران جوامع پیشامدرن تفاوت‌های اساسی دارد و بیشتر آن‌ها با الهام از انگاره و مفاهیم مدرن و با وارونه‌سازی آن‌ها سعی در ترسیم نوعی تفکر ضدمدرن دارند که مختصات آن چندان با مناسبات فکری و الگوهای زندگی جوامع سنتی تطابق ندارد. عدم‌هم‌خوانی سنت‌گرایی با انگاره‌های سنتی باعث شده است تا بسیاری از نگرش‌های آن با واقعیت‌های تاریخی جوامع پیشامدرن در تعارض باشد. سنت‌گرایان حتی برای تقدس‌بخشی به جهان پیشامدرن و نقد مدرنیته تلاش می‌کنند تا به همه اجزای سنت بی‌توجه به تعارض‌ها و تناقض‌های [سنت‌های گوناگون]، هویتی معنوی دهند. هر کنشی که با باورهای فراطبیعی توجیه شود، در ادبیات فکری و مبانی نظری سنت‌گرایان این امکان را می‌یابد که با امر قدسی پیوند یابد. دغدغه اصلی نصر در احیای سنت بیشتر از آنکه یک طرح فکری منسجم و قابل‌دسترسی باشد، یک نوستالژی و حسرت زندگی مقدس و معنویت ازدست‌رفته است» (نژاد ایران، ۱۳۹۵، ۱۰۱ تا ۱۲۱). این نوستالژی و حسرت را می‌توان در بسیاری از بیانات و توصیفات سنت‌گرایان چون نصر و نیز بورکهارت از شهرهای اسلامی و سنتی و از معماری اسلامی جوامع اسلامی به‌وضوح دید.

«رویکرد و نگرش سنت‌گرایان به سنت مبتنی بر



۴. آرای سنت‌گرایان درباره معماری [و شهرسازی] بیشتر استنباطی و کمتر استدلالی است: «سنت‌گرایان معماری [و شهرسازی] سنتی را آن‌گونه که خود می‌پندارند و استنباط می‌کنند و می‌پسندند که باشد، تعریف و تفسیر می‌کنند، بی‌آنکه دلیل و مدرکی برای ایشان ارائه نمایند. وصف سنت‌گرایان در عین زیبایی و دل‌نشینی، متکی به دلایلی نیست و تنها استنباط شخصی آنان است» [ساده‌نگاری در درک مفاهیم]. «سنت‌گرایان در این راه تا آنجا پیش می‌روند که معماری سنتی را جلوه مستقیم مذهب دانسته و میان اجزای معماری سنتی و اسمای الهی رابطه برقرار می‌کنند» (همان، ۱۰) [ستایش سنت به‌منزله مظهر اصول و اسمای الهی].

۵. سنت‌گرایان، همه امور را در هاله‌ای از قداست و رازآلودگی قرار می‌دهند: «این رازآلودگی از آن روست که سنت ایشان آمیخته‌ای از اسطوره و دین است، آن‌هم نه فقط دین اسلام بلکه آمیخته‌ای از ادیان توحیدی و عقاید هندو، بودایی و... در نگاه سنت‌گرایان، نقش‌هایی چون مندل، ساختارهایی چون چهارطاقی و شیوه‌هایی چون تربیع دایره مورد تقدیس قرار می‌گیرند. این در حالی است که چهارطاقی میراث معماری ایرانی پیش از اسلام است» (همان، ۱۰). نقدهای شماره ۱ و ۲ مربوط به تعریف ویژه سنت‌گرایان از سنت و نقدهای ۳ و ۴ و ۵ مربوط به نحوه مواجهه سنت‌گرایان با شهرسازی و معماری و تحلیل آنان‌اند.

در مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های لگنهاوزن و حجت می‌توان بندهای ۳ تا ۵ نقد حجت را به ترتیب با بندهای ۵ و ۳ و ۷ و ۱ نقاط ضعف مطرح‌شده در نقد لگنهاوزن متناظر دانست.

ت- دیدگاه سید امیر منصوری و محمود تیموری
سید امیر منصوری و محمود تیموری در مقاله‌ای با عنوان نقد آرای سنت‌گرایان معاصر در زمینه هنر و معماری اسلامی، با تکیه بر مفهوم سنت در معماری اسلامی به این موضوع پرداخته‌اند و به نقش سنت‌گرایان بر مراجع هنر و معماری کشور اشاره می‌کنند. «جریان فکری سنت‌گرایان معاصر در چهار دهه گذشته، جریان غالب بر دانشکده‌ها و مراجع هنر و معماری کشور ما بوده و به‌علت فعالیت گسترده در حوزه تفسیر هنر و معماری اسلامی و ایرانی، سایر نظریه‌های ارائه‌شده در این زمینه را تحت‌تأثیر مستقیم خودش قرار داده است» (منصوری

را در سراسر جهان، یک‌به‌یک، هدف قرار می‌داد و جوامع انسانی را با داشته‌های فرهنگی و بضاعت معنوی خویش بیگانه می‌کرد، سنت‌گرایان پدید آمدند» (حجت، ۱۳۹۲، ۶). «سنت‌گرایی نگاهی بیرونی و علمی و مدرن به سنت است. انسان سنتی غرق دریای سنت است و انسان سنت‌گرا بر ساحل دریای سنت نشسته است و سنت‌گرایی می‌کند» (همان، ۷).

به‌اعتقاد نصر، انسان‌های پیشامدرن چنان در محیط و فضای آفریده سنت مستغرق بودند که نمی‌توانستند درک بیرونی از سنت داشته باشند. این دنیازدگی دوران جدید است که آگاهی از سنت را ایجاب می‌کند (عدنان اصلان، ۱۳۸۵، ۹۰). با وجود این، درک سنت الزاما متوقف بر وجود دنیای سکولار و مدرن نیست. اگرچه می‌توان به کمک آن، درکی عالمانه و واقع‌بینانه از سنت و سنت‌گرایی به دست داد (عالمی، ۱۳۸۹، ۱۰۰).

حجت در نقد آرای سنت‌گرایان موارد زیر را مطرح می‌کند:

۱. سنت سنت‌گرایان نخستین است: «سنت سنت‌گرایان ازلی است. از ابتدای تاریخ، بلکه پیش از آن هم وجود داشته است و از نظر زمان، بر تمامی تمدن‌ها و ادیان، تقدم دارد و نمی‌توان آن را ذیل هیچ‌یک از تمدن‌های بشری، از جمله اسلام قرار داد» (حجت، ۱۳۹۲، ۷).

۲. سنت سنت‌گرایان فرادینی و فرافرهنگی است: «مباحث سنت‌گرایان هم شامل دین می‌شود و مهم‌ترین ادیان دنیا مانند اسلام، مسیحیت، بودا و هندو را در بر می‌گیرد و هم شامل سنت‌های افلاطونی و هرمسی است. آن‌ها به حقیقی قائل‌اند که منشأ غیربشری دارند و در ادوار مختلف بشر ظهور و بروز متفاوتی داشته‌اند» (همان، ۷). تلقی سنت‌گرایی به‌عنوان یک پدیده یا شیوه مدرن، فصل مشترک دیدگاه عیسی حجت با نژاد ایران است.

۳. آرای سنت‌گرایان در باب معماری [و شهرسازی] بیشتر توصیفی و کمتر راهبردی است: «در حالی که معماران [و شهرسازان] چشم به راه نشانه‌ها و در جست‌وجوی راهکارهایی از معماری [و شهرسازی] سنتی‌اند تا در طراحی، راهنما و راهگشای آنان باشد، سنت‌گرایان به توصیفی ادیبانه از این معماری و شهرسازی بسنده می‌کنند» (همان، ۸) [عدم ارائه راهکارهای مفید].



این چنین نیست؟» (Leaman, 2004, 10). در دین اسلام که هیچ دستورالعملی برای تعیین مشخصات فرم و سبک‌های هنری بیان نشده است، چگونه یک فرم اسلامی از غیراسلامی شناخته می‌شود؟ اصولاً در دین‌هایی مانند اسلام که ناظر به خود انسان‌اند، نه تولیدات انسانی، چگونه معیارهای دینی بودن یک سبک و شیوه تعریف می‌گردد؟ (منصوری، ۱۳۹۴، ۱۰).

– نفی شرایط فرهنگی و اجتماعی:

سنت‌گرایان با منحصر کردن تعریف هنر به «صورت و سبک» و سپس اصرار بر تعریف هنر دینی و قدسی به استفاده از فرم و سبک‌های دینی، به سایر جنبه‌های انسانی- فرهنگی و غیرفرمال که در هنر و معماری و شهرسازی تأثیرگذارند، بی‌اعتنایی و کم‌توجهی کرده‌اند و جنبه‌های مهم و تعیین‌کننده هنر مثل هدف و غرض هنرمند از خلق اثر، توجه به زمینه‌های مختلفی که اثر معماری و شهرسازی در آن شکل می‌گیرند (جغرافیا، اقلیم، کارکرد، وضعیت اقتصادی و سیاسی- اجتماعی) یا سلايق و ذوق جمعی و فردی مخاطبان آن که بدون شک در دینی بودن یا هم‌جهت بودن اثر با دین مؤثر است، در تعریف سنت‌گرایان از هنر دینی مغفول مانده‌اند.

– مقدس سازی تاریخ معماری و شهرسازی:

در تعابیر سنت‌گرایان، تمام فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در سراسر جغرافیای زمین تا قبل از دوره رنسانس و ظهور مدرنیته صفت «سنتی» دارند و در مقابل آنچه که متعلق به بعد از رنسانس و مدرنیته است، غیرسنتی است. یعنی تنها ملاک سنتی بودن تعلق به گذشته و تاریخ قبل از رنسانس است. تقدس‌بخشی به تاریخ هنر نیز معلول منحصر دانستن تعریف هنر و هنر دینی در ویژگی‌های سبکی و فرمال هنری است؛ زیرا به‌علت نبود معیار مشخص اسلامی که بتوان مقدس بودن یا دینی بودن سبک یا فرم را مشخص کرد، سنت‌گرایان با استفاده از نوعی استقرار، سبک‌ها و اشکال و فنون هنری‌ای را که در طول سال‌ها و قرن‌های متمادی توسط هنرمندان [مسلمان] در خلق و آفرینش آثار مرتبط با دین به کار گرفته شده‌اند، به‌عنوان سبک‌ها و فرم‌های هنر دینی قلمداد می‌کنند. به این ترتیب، ضمن اینکه فرم‌ها و سبک‌های تاریخی، اصیل و ذاتاً دینی و مقدس انگاشته می‌شوند، هر هنر و اثر جدید دینی نیز باید از آنها تقلید کند و تکرار اصول فرمی و سبکی گذشتگان را انجام دهد

و دیگران، ۱۳۹۴، ۱). ایشان در زمینه ضرورت نقد سنت‌گرایی در حوزه هنر و معماری بیان می‌کنند «جذبۀ آرای سنت‌گرایان در بازگشت به تاریخ هنر و معماری ایرانی و استفاده از ادبیات عرفانی و تصوف، مانع و حجاب اصلی نقد و عیارسنجی آن‌ها بوده است» (همان، ۳).

منصوری نیز مانند عیسی حجت و لنگه‌اوزن به تفاوت تعریف سنت از دیدگاه سنت‌گرایان با مفهوم سنت در فرهنگ اسلامی اشاره می‌کند: «در منطق قرآن [و معارف اسلامی] مفهوم کلی و شناخته‌شده‌ای به‌نام سنت (آن‌طور که مراد سنت‌گرایان است) وجود ندارد. در معارف اسلام و قرآن کریم به سه نوع سنت اشاره شده است: سنت‌های الهی و سنت نبوی و سنت‌های انسانی» (همان، ۶). «تعریفی که از سنت توسط سنت‌گرایان ارائه می‌شود با هیچ کدام از مفاهیم سه‌گانه سنت در فرهنگ اسلامی انطباق ندارد، ضمن اینکه از هر سه نوع سنت ذکر شده در قرآن، یک ویژگی را در بر می‌گیرد: این سنت مثل سنت‌های الهی غیرقابل‌تبدیل، ازلی و ابدی است، همانند سنت نبوی از وحی سرچشمه می‌گیرد و همچون سنت‌های انسانی در همه موارد انسانی از قبیل هنر، عرفان، فلسفه، صنایع، شیوه‌های باغ‌سازی و آشپزی و... دارای روش‌های مشخص و تعریف شده است» (همان، ۸). ازلی و ابدی بودن این سنت همان است که حجت با مفهوم سنت نخستین از آن یاد می‌کند. سپس منصوری و تیموری سه نقد را در حوزه معماری و شهرسازی و تعریف هنر اسلامی متوجه سنت‌گرایان می‌دانند:

– سبک و فرم به‌جای اصول اسلامی:

«از دیدگاه سنت‌گرایان، هنری قدسی و مقدس است که فرم‌ها و مشخصات ظاهری و بیان هنری آن دینی باشد؛ اما آنچه در نظرات سنت‌گرایان به آن پرداخته نشده است، این است که چگونه دینی بودن و قدسی بودن یک فرم، سبک یا شیوه تعیین می‌شود و معیار تشخیص دینی یا مقدس بودن فرم و سبک از سبک‌های غیردینی و نامشخص چیست؟» (همان، ۹۰). این نقد مورد توجه متفکران دیگر نیز بوده است، از جمله اولیور لیمان در کتاب زیبایی‌شناسی اسلامی بیان می‌کند: «تعیین حد و اندازه ارتباط میان افکار دینی و تجلی آن در آثار هنری، امری غامض و پیچیده و غیرقابل تعیین است. چگونه می‌توان تعیین کرد که بعضی از آثار هنری متأثر از آموزه‌های دینی و عرفانی است، یا بعضی دیگر،



اسلامی و سنتی و بومی بوده‌اند. در ایران، صاحب‌نظرانی چون نقی‌زاده و ندیمی و دیگران، با درجات مختلف متأثر از دیدگاه‌های سنت‌گرایان بوده‌اند. بعضی دیگر چون نادر اردلان و لاله بختیار خودشان سنت‌گرا به حساب می‌آیند. همچنین جامعه دانشگاهی و نیز جامعه حرفه‌ای و مدیران و تصمیم‌گیران حوزه شهرسازی و معماری به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم و به‌شیوه‌های مختلف از دیدگاه‌های سنت‌گرایان تأثیر گرفته‌اند. ردپای این تأثیر را می‌توان در نوشته‌ها و اظهارنظرها و حتی تعاریف و مصوبات شهرسازی و معماری دنبال کرد. برای نمونه، می‌توان به تعریف رسمی از «معماری اسلامی» و «شهر اسلامی» توسط شورای عالی شهرسازی و معماری ایران توجه کرد. به دیدگاه‌های سید حسین نصر حتی در محافل حوزوی ایران نیز التفات و توجه شده است.

فهم دوباره اصول شهرسازی و معماری اسلامی و ساخت‌وساز بر اساس آن اصول و ضرورت تربیت شهرسازان و معماران مهذب در مقابل آموزش سکولار شهرسازی و معماری و ضرورت تحول در نظام آموزش شهرسازی و معماری کشور از راهبردهای پیشنهادی سید حسین نصر به‌عنوان چهره ایرانی سنت‌گرایان بوده‌اند. گرچه تمام دستاوردها و پیشنهاد‌های فوق منحصر به سنت‌گرایان نبوده‌اند.

به‌رغم تمام موارد فوق، می‌توان سنت‌گرایی را پدیده‌ای مدرن و واکنشی مقابل گسترش مدرنیسم دانست که کاستی‌هایی دارد؛ کاستی‌هایی که سبب شده‌اند توفیقات سنت‌گرایی در تقابل با مدرنیته، بیشتر در مقام نقد باشد تا در عمل.

ازلی بودن و فرادینی و فرافرهنگی بودن مفهوم سنت نزد سنت‌گرایان (سنت اینترنشنال)، رازآلودگی و ستایش سنت به‌عنوان مظهر اصول و اسمای الهی و مخالفت با هرگونه تغییر در آن، ساده‌انگاری در درک و تبیین استنباطی و ذوقی مفاهیم معماری و شهرسازی، ارائه‌ندادن راهکارهای مفید در مقیاس طراحی، از جمله کاستی‌هایی‌اند که پیروان این جریان فکری را در حوزه شهرسازی و معماری با سردرگمی مواجه کرده‌اند.

به‌بیانی ساده و با تسامح می‌توان گفت که در حوزه شهرسازی و معماری، سنت‌گرایی مانند یک محرک در مقام نقد مدرنیته عمل کرده است؛ ولی این نقش در همان مرحله مانده است و نتوانسته است خودش را در مقام

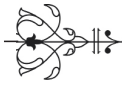
و هرگونه ابداع و نوآوری هنری که در چهارچوب اصول سبک‌شناسی و زیبایی‌شناسی و فرمال تاریخی نباشد، نمی‌تواند در زمره معماری و شهرسازی دینی و مقدس به حساب آید (همان، ۱۲). مقدس‌سازی تاریخ معماری و شهرسازی بخشی از فرآیندی است که نژاد ایران از آن با عنوان «تقدس‌بخشی به جهان پیشامدرن» یاد می‌کند. منصوری در پایان چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «سنت‌گرایی نیز همچون مدرنیسم، پاسخی مناسب و راهکاری قابل‌استفاده برای اصالت‌دادن به تاریخ هنر، معماری و شهرسازی شرایط امروز معماری [و شهرسازی] ایرانی-اسلامی نیست. سنت‌گرایان با نفی مقتضیات زمان اعم از شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، در مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی و نادیده‌گرفتن قوه ابداع و خلاقیت هنرمندان، مانع از شکل‌گیری و کشف رهیافت‌های مطلوب و پاسخ‌گو در شرایط امروز معماری و شهرسازی ما می‌شوند» (منصوری، ۱۳۹۴، ۱۳).

۴-۲. نظر مختار پژوهش

سنت‌گرایی مصطلح (طبق تعریف تصریح‌شده از آن در این مقاله) به‌دلیل ماهیت انتقادی خودش به مدرنیته، یکی از جریان‌های مؤثر و الهام‌بخش در زمینه نقد و تبیین جنبه‌های منفی مدرنیسم و اثرات ناگوار و ناخوشایند آن در شیوه زیست انسان معاصر و بر جوامع اسلامی بوده است. دامنه نقد سنت‌گرایی به مدرنیسم به حوزه شهرسازی و معماری نیز سرایت کرده و این جریان فکری در زمینه نقد و تبیین آثار نامطلوب مدرنیته، توفیقات چشمگیری داشته است. در این حوزه، آثار بورکهارت و سید حسین نصر قابل‌توجه‌ترند. انداز از تقلید الگوی غربی برای پیشرفت و صنعتی شدن، تبیین اثرات مدرنیته بر محیط‌زیست و کالبد شهرها، توجه‌دهی به تقدس‌زدایی از فضای شهر و دنیوی‌سازی مکان و زمان، تبیین آثار سوء‌استفاده از خردگرایی ابزاری، طراحی‌نکردن معماری و شهرسازی بر اساس بوم و سنت، تبیین بعضی موانع تحقق معماری و شهرسازی اسلامی را می‌توان به‌عنوان بخشی از دستاوردهای سنت‌گرایان دانست.

در عین حالف سنت‌گرایان الهام‌بخش بسیاری از شهرسازان و معماران و صاحب‌نظران این حوزه خصوصاً در مقام نقد مدرنیته و ضرورت توجه به ارزش‌های





به‌عنوان یکی از منابع شناخت شهرسازی اسلامی به‌ویژه در حوزه فنون و روش‌های کالبدی برای اجرای ارزش‌های اسلامی.

کنار دستاوردهای فوق، نقدهای زیر نیز بر سنت‌گرایی واردند:

۱. نقدها و ایرادات مربوط به تعریف سنت:

اولین و اساسی‌ترین نقد وارد بر سنت‌گرایان که بیشتر منتقدین نیز آن را مورد توجه قرار داده‌اند، نقدهای وارد بر تعریف سنت‌گرایان از سنت است. در عین حال می‌توان گفت که تعریف سنت‌گرایان از سنت و نوع دیدگاه ایشان به سنت، سنگ بنای مکتب سنت‌گرایی نیز است. نقدهای وارد بر تعریف سنت را می‌توان در لایه‌های زیر بیان کرد:

۱- الف- اساسی‌ترین نقد که سرمنشأ بسیاری از افتراقات دیگر سنت‌گرایی با فرهنگ اصیل اسلامی می‌گردد، تعریف متفاوت سنت‌گرایان با تعریفی است که از سنت در فرهنگ اسلامی و کلام وحی آمده است. در قرآن کریم، همیشه کلمه سنت با ذکر منشأ و نوع آن آمده است. در فرهنگ اسلامی، سنت شامل سنت الهی و سنت نبوی(ص) و سنت مجرب انسانی است. تعریف سنت از نظر سنت‌گرایان منطبق بر هیچ‌کدام از این سه نوع سنت الهی و نبوی(ص) یا انسانی نیست، در حالی که یک ویژگی از هر کدام را در بر دارد.

۱-ب- سنت سنت‌گرایان، نخستین و ازلی است و بر تمامی تمدن‌ها و ادیان الهی تقدم دارد و ذیل هیچ‌یک نیز نمی‌گنجد.

۱-پ- سنت ایشان فرادینی و فرافرهنگی است. این در حالی است که ادیان و تمدن‌هایی که از دیدگاه سنت‌گرایان، سنتی شناخته می‌شوند، تفاوت‌های ساختاری و تناقض‌های آشکار با هم دارند.

۱-ت- سنت‌گرایی سنت را به‌گونه‌ای تعالی می‌بخشد و می‌ستاید که مورد تأیید اسلام نیست.

۲- ممنوعیت عدول از سنت و مخالفت با هرگونه تغییر و تحول. این در حالی است که سنت طبق تعریف ایشان، نه سنت الهی است و نه سنت نبوی(ص). در اسلام، طبق نص صریح قرآن، فقط سنت الهی است که در آن تبدیل و تحویلی راه ندارد و سنت نبوی(ص) نیز برگرفته از وحی است.

۳- ارائه‌ندادن پیشنهادات مفید برای مواجهه با

عمل اثبات کند. این بازماندگی سبب شده است بعضی از منتقدین اصولاً سنت‌گرایی را فاقد ماهیت ایجابی بدانند و آن را فقط در مقام نقد مدرنیته قابل تعریف بدانند. در عین اینکه بعضی از راهکارهای پیشنهادی مانند ضرورت تحول در نظام آموزشی شهرسازی و معماری نیز مسکوت مانده‌اند.

در هر صورت به نظر می‌رسد که سنت‌گرایی به‌عنوان یک موتور محرک برای نقد مدرنیته می‌تواند کماکان الهام‌بخش باشد؛ اما در ادامه فرآیند دستیابی به شهر اسلامی، نمی‌توان صرفاً به آن اتکا کرد و باید به دنبال رویکردهای دیگری بود.

با توجه به مباحث طرح‌شده، دستاوردهای سنت‌گرایان در حوزه شهرسازی و معماری را می‌توان به‌صورت ذیل جمع‌بندی کرد:

۱. نقد مدرنیته و تأثیرات آن بر شهرسازی و معماری جوامع مسلمان به‌ویژه توجه به:

- دنیوی‌سازی مکان و زمان؛ تقدس‌زدایی از فضای شهر با ظهور سکولاریسم؛ از میان رفتن ارزش‌های ذاتی با ظهور عقلانیت ابزاری؛ از میان رفتن هنر و استعداد انسانی با ظهور فرآیند صنعتی شدن؛ فقدان جهان‌بینی منسجم با پیدایش تکثرگرایی؛

۲. اشعار و توجه‌دادن به:

عدم تحول شهرسازی و معماری و عدم سرایت انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به حوزه شهرسازی و معماری؛ ادامه فرآیند تقلید از الگوها و شیوه‌های غربی در شهرسازی و معماری پس از انقلاب ۵۷ در ایران (تداوم غرب‌زدگی و غرب‌گرایی در شهرسازی و معماری پس از انقلاب اسلامی ایران)؛

۳. تأکید بر فهم دوباره اصول معماری و شهرسازی اسلامی و ساخت‌وساز بر اساس آن؛

۴. تأکید بر ضرورت تحول در نظام آموزشی شهرسازی و معماری؛

۵. اعتقاد به اصل ضرورت تهذیب نفس خالق اثر و تبیین آن؛

۶. تبیین موانع تحقق معماری و شهرسازی اسلامی؛

۷. تأثیرگذاری بر کنشگران حوزه شهرسازی و معماری در سطوح مختلف در مقام نقد مدرنیته؛

۸. توجه به انطباق نسبی شهرهای دوره اسلامی با ارزش‌های اسلامی و امکان و لزوم مراجعه به آن‌ها



۱۱- احساس استغنا و بی‌نیازی از اصول فقهی و اجتهادی، گرایش به تصوف و رشد در بستر تصوف: سید حسین نصر با صراحت بیان می‌کند که از نظر ایشان، «سرمشأ هنر اسلامی، جهان‌بینی اسلام و وحی اسلامی (وجه باطنی و معنویت اسلامی) است» و در ادامه می‌گوید: «هنر اسلامی نمی‌تواند از شریعت اسلامی منبعث شده باشد» (نصر، ۱۳۸۹، ۱۵). این در حالی است که تأثیرات فقه اسلامی (اعم از شیعه و سنی) بر کالبد شهرهای اسلامی انکارشده نیست و بخش چشمگیری از پژوهشگران حوزه شهر اسلامی با رویکرد فقه‌پژوهی به دنبال استخراج قواعد فقهی شهر اسلامی‌اند. در عین حال، همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد، یکی از ویژگی‌های اصلی سنت‌گرایی و چهره‌های شاخص سنت‌گرا، تمایل و تعلق خاطر به تصوف بوده است و تمام چهره‌های شاخص سنت‌گرا پیرو یک طریقت تصوف رایج در شمال آفریقا بوده‌اند یا هستند. همین امر باعث شده است که سنت‌گرایی ارتباط محکم و بنیادینی با فقه اسلامی نداشته باشد و در عمل خودش را از آن مستغنی می‌بیند.

۱۲- نفی شرایط فرهنگی و اجتماعی مؤثر در تجسد کالبدی.

۱۳- انصراف بسیاری از علاقه‌مندان به معماری و شهرسازی اسلامی- ایرانی از سایر رویکردهای پژوهشی شهر اسلامی و توقف در دیدگاه نوستالژیک سنت‌گرایی. حدود چهار دهه است که توضیحات زیبا و ادیبانه سنت‌گرایان درباره شهرسازی و معماری اسلامی، بسیاری از شهرسازان و معماران علاقه‌مند به ارزش‌های اسلامی را به خودشان مشغول داشته‌اند، بدون اینکه در مقام طراحی و اجرا، نتایج روشنی به دنبال داشته باشند و از این‌رو، منجر به فرصت‌سوزی شده‌اند. چه‌بسا بسیاری از این علاقه‌مندان را از احیای شهر اسلامی و معماری اسلامی ناامید کرده باشند. یکی از نتایج این پژوهش این است که بین سنت‌گرایان مصطلح با معماران و شهرسازانی که مبتنی بر منابع اصیل شرعی و آیات و روایات در حوزه نظر پژوهش و فعالیت می‌کنند، تمییز می‌دهد و تفکیک ایجاد می‌کند.

۱۴- تبیین استنباطی و ذوقی مفاهیم شهرسازی و معماری و هنر سنتی: «افکار سنت‌گرایان درباره هنر سنتی و قدسی، بیش از آنکه مبتنی بر تحلیل مستقل از آثار هنری باشد، به‌نوعی تطبیق افکار ایشان با مصادیق

تغییرات در حال وقوع به‌ویژه در حوزه شهرسازی و معماری و بسنده کردن به توضیحات ادیبانه و نوستالژیک.

۴- ساده‌انگاری در تبیین ویژگی‌های جوامع مدرن و سنتی و تطابق‌نداشتن دیدگاه‌های سنت‌گرایان با الگوهای تاریخی جوامع پیشامدرن.

۵- تقدس‌بخشی به جهان پیشامدرن و مقدس‌سازی تاریخ معماری و شهرسازی جوامع سنتی (تا قبل از رنسانس).

قبل از ظهور تجدد در اروپا، در دوره رنسانس، همه تمدن‌ها، چه شرقی و چه غربی، سنتی بودند و در نتیجه هر هنری که پدید می‌آمد، از اشعار دانته تا معابد هندو و باغ‌های ذن در ژاپن و البته هنرهای گوناگون اسلامی، از معماری مساجد و خط تا تلاوت قرآن کریم و موسیقی عرفانی، گونه‌ای از هنر سنتی بودند و با زبان خاص خودشان در قالب صورت، معانی مینوی را منعکس می‌ساختند (پیام نصر به کنگره هنر، سنت و سنت‌گرایان، به‌نقل از ربیعی، ۱۳۹۸، ۱۷۹).

۶- تفکیک سنت و تجدد در نقطه مشخصی از تاریخ و اخذ مطلق «آنچه بود»، به‌عنوان سنت و ترسیم یک مرز تاریخی میان انسان سنتی و انسان متجدد (قدیم‌زاده، ۱۴۰۱، ۱۵۷).

۷- معرفی سبک و فرم سنتی به‌جای اصول اسلامی در شهرسازی و معماری: تداوم شکلی و صوری سنت، توجه به برخی از نمودهای ظاهری بناها و بافت‌های گذشته و تقلید یا تکرار آن‌ها.

۸- پذیرش و بازتولید منطق درونی مدرنیته در غیریت‌سازی سنت و مدرنیته.

۹- ماهیت سلبی سنت‌گرایی در مقابل مدرنیته.

۱۰- اعتقاد به نمادگرایی و رازآلودگی و ابهام در شیوه بیان و توصیف سنت‌گرایان: از نظر سنت‌گرایان، هنر اسلامی، هنری انتزاعی، نمادین، رمزگونه و معنادار است (موسوی گیلانی، ۱۳۹۳، ۴۷). مارتین لینگز در تحلیل هنر سده‌های میانه، بورکهارت و سید حسین نصر در تحلیل هنر اسلامی در عصر ایلخانی و تیموری و صفوی، کومارا سوآمی در تحلیل هنر در ادیان شرقی، شدیداً به وجود نمادگرایی و معانی حکمی و رازورمزهای معنوی در آثار هنری قائل‌اند و معتقدند هنرمندان در خلق آثار هنری از عناصر و نقش‌مایه‌های دینی استفاده می‌نمودند (همان، ۴۸).

غیرقابل‌تبدیل و تحویل که از دین نیز فراگیرتر است و دین به‌معنای عام آن را اعم از ادیان ابراهیمی و هندوئیسم و... تماماً در بر می‌گیرد.

همین تلقی و تعریف از سنت مبنای افتراق سنت‌گرایی با فرهنگ اصیل اسلامی است و در عین حال، سرمنشأ افتراقات و کاستی‌های بعدی سنت‌گرایی است و چون این سنت قابل‌تبدیل نیست، تاریخ به دو دوره سنتی (پیشامدرن) و مدرن تقسیم می‌گردد و جهان مدرن پس از جهان سنتی رخ می‌نماید. دوگانگی و دویت بین جهان سنتی و جهان مدرن منطقی است که مدرنیته خودش قائل به آن است و از این ره، سنت‌گرایی منطق مدرنیته را بازتولید و تأیید می‌کند. کاستی‌هایی چون تقدس‌بخشی به جهان پیشامدرن، مقدس‌سازی تاریخ معماری و شهرسازی جوامع سنتی، معرفی سبک و فرم سنتی به‌جای اصول اسلامی در شهرسازی و معماری، تبیین ذوقی و استنباطی مفاهیم شهرسازی و معماری، ممنوعیت عدول از سنت و مخالفت با هرگونه تغییر و تحول و ارائه‌اندادن پیشنهادات مفید برای مواجهه با تغییرات در حال وقوع در شهرسازی و معماری، همه ریشه در تعریف و نوع تلقی سنت‌گرایی از سنت دارند و در واقع، ریشه و دلیل اصلی توفیق‌نیافتن سنت‌گرایی در احیای شهرسازی معماری اسلامی بوده‌اند و ریشه در ذات سنت‌گرایی و پویانبودن و جزم‌گرایی مستتر در آن دارند. این وضعیت باعث سرگرم‌شدن پیروان سنت‌گرایی به دل‌مشغولی‌های نوستالژیک و ازدست‌دادن مستمر فرصت‌های عملی احیای شهرسازی و معماری اسلامی شده است.

تمام این کاستی‌ها کنار توفیقاتی‌اند که سنت‌گرایان در مقام نقد مدرنیته به دست آورده‌اند؛ توفیقات و کاستی‌هایی که در بخش قبل فهرست گردیدند. لذا می‌توان سنت‌گرایی را شمشیر دولبه‌ای دانست که در نقد مدرنیته، غیرخودی و در مقام فرصت‌سوزی و ایجاد انفعال، خودی را هدف گرفته است.

[هنری] است. به‌علاوه، در بررسی آثار هنر اسلامی توسط سنت‌گرایان، بیش از آنکه با مفاهیم زیباشناختی مواجه باشیم، با مفاهیم مذهبی، عرفانی، سیاسی و اقتصادی روبرو هستیم» (2, Leaman, 2004). سنت‌گرایان در تطبیق شواهد تاریخی، دقت خاصی از خودشان نشان نمی‌دهند و آنچه را که در هنر تمدن‌های شرقی می‌بینند، به عناصر عرفانی و دینی تأویل می‌کنند. گاه تفسیر عرفانی از بعضی عناصر هنر اسلامی از جمله فن و اسلوب، صرفاً تطبیق امری شخصی و برگرفته از ذوق و الهامات پاره‌ای از مفسران هنر اسلامی است (همان ۱۶). باید میان آن اسلوب‌هایی که ریشه در آموزه‌های اسلامی و افکار مسلمانان داشته‌اند، با آنچه مبتنی بر تحلیل ذوقی و تطبیق شخصی بعضی از مفسران عرفانی است، تفکیک کرد. پاره‌ای از سنت‌گرایان، علی‌رغم تأکید بر این امر که در تحلیل هنر اسلامی نباید از واقعیت خارج شد، گاه از این واقعیت عدول می‌ورزند و در تطبیق مفاهیم عرفانی با عناصر هنری، فراتر از ریشه تاریخی سخن می‌گویند (موسوی گیلانی، ۱۳۹۳، ۵۲).

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سنت‌گرایی طبق تعریف مصطلح آن رویکردی است که در مقام نقد مدرنیته پدید آمده است و قد برافراشته است. برخی از چهره‌های سرشناس سنت‌گرا مانند تیتوس بورکهارت و سید حسین نصر در مقام نقد مدرنیته دیدگاه‌های مبسوطی در حوزه هنر اسلامی و معماری و شهرسازی اسلامی دارند؛ دیدگاه‌هایی که چند دهه، علاقه‌مندان به ارزش‌های اسلامی در حوزه شهرسازی و معماری اسلامی را به خودشان جذب کرده‌اند و انتقادات صریح و روشنی را نیز بر مدرنیته و شهرسازی و معماری مدرن بیان کرده‌اند؛ انتقاداتی که گاهی برای دوستداران احیای شهرسازی و معماری اسلامی امید بوده‌اند. نقطه مرکزی و سنگ بنای سنت‌گرایی تعریفی است که ایشان از سنت ارائه می‌دهند؛ سنتی ازلی و ابدی و مقدس و

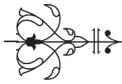
منابع

۱. قرآن کریم. ۱۳۹۶. ترجمه حسین انصاریان. قم: سازمان دارالقرآن الکریم.
۲. امامی جمعه، سید مهدی و طالبی، زهرا. ۱۳۹۱. «سنت و سنت‌گرایی از دیدگاه فریتیهوف شوان و دکتر سید حسین نصر».
۳. اصلان، عدنان. ۱۳۸۵. پلورالیسم دینی (کثرت ادیان از دیدگاه جان هیک و سید حسین نصر). ترجمه انشاءالله رحمتی.

- چ اول. تهران: انتشارات نقش جهان.
۴. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: نشر اسراء.
 ۵. حجت، عیسی. ۱۳۹۲. «سنت سنت‌گرایان و سنت‌گرایی معماران». هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی. بهار. ۵-۱۶.
 ۶. خندق‌آبادی، حسین. ۱۳۸۰. حکمت ادیان؛ نگاهی به زندگی و آثار سنت‌گرایان معاصر. تهران: انتشارات مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.
 ۷. ربیعی، هادی. ۱۳۹۸. جستارهایی در چیستی هنر اسلامی. تهران: فرهنگستان هنر.
 ۸. عالمی، سید علی‌رضا. ۱۳۸۹. آسیب‌شناسی تمدن اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های سید حسین نصر. قم: جامعه‌المصطفی العالمیه.
 ۹. قدیم‌زاده، سمیه. ۱۴۰۱. «چالش‌های کاربردی اندیشه سنت‌گرا و ضرورت بازاندیشی در معماری معاصر ایران». مطالعات ملی. تابستان. ۱۳۹ تا ۱۶۰.
 ۱۰. کدیور، محسن و طیبه کرمی. ۱۳۸۴. «معانی سنت از دیدگاه سنت‌گرایان». مقالات و بررسی‌ها. (۷۷).
 ۱۱. لگنهاوزن، محمد. ۱۳۸۳. سیاحت اندیشه در سپهر دین. ترجمه منصور نصیری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
 ۱۲. لگنهاوزن، محمد و نصیری، منصور. ۱۳۸۶. «چرا سنت‌گرا نیستیم؟». خردنامه همشهری. ش ۱۵. خرداد. ۱۴ تا ۱۷.
 ۱۳. منصوری، سید امیر و محمود تیموری. ۱۳۹۴. «نقد آرای سنت‌گرایان در زمینه هنر و معماری اسلامی». فیروزه اسلام. ش ۱. زمستان. ۱ تا ۱۴.
 ۱۴. موسوی گیلانی، سید رضی. ۱۳۹۳. «نقد و بررسی آرای سنت‌گرایان پیرامون هنر اسلامی». الهیات هنر. شماره دوم. ۴۳-۶۴.
 ۱۵. نژاد ایران، محمد. ۱۳۹۵. «نقد ماهیت سلبی سنت‌گرایی در اندیشه سید حسین نصر». جستارهای فلسفه دین. سال پنجم. بهار و تابستان. ش ۱. ۱۰۱-۱۲۱.
 ۱۶. نصر، سید حسین. ۱۳۹۳. در جست‌وجوی امر قدسی. تهران: نشر نی.
 ۱۷. نصر، سید حسین. ۱۳۸۹. هنر و معنویت اسلامی. ترجمه عارف اقوامی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۱۸. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۶. درآمدی بر اصول و مبانی معماری و شهرسازی اسلامی. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
 ۱۹. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۹۴. حکمت اسلامی در خلق آثار هنری و معماری شهرسازی. تهران: انتشارات سروش.
 ۲۰. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۹۶. تحقق‌پذیری هویت در معماری و شهرسازی با تأکید بر ارتقای هویت اسلامی ایرانی در شهرهای جدید. تهران: فکر نو.
 ۲۱. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۶. نظریه فضای حیات طیبه؛ شهر آرمانی اسلام. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
 ۲۲. وزارت راه و شهرسازی. ۱۳۹۱. شهر ایرانی-اسلامی. تهران: مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.
 ۲۳. - مقاله سنت‌گرایی در ویکی‌فقه <http://wikifeqh.ir> تاریخ مراجعه ۱۴۰۰/۶/۱۷

References

1. Leaman, Oliver, 2004, Islamic Aesthetics, Edinburgh, Edinburgh university press.
2. Alemi, Seyyed Ali Reza, 2000, Patology of Islamic civilization based on Dr Nasr's thoughts, Qom , Mostafa university.
3. Aslan, adnane, 2006, Religious pluralism, Tehran, Naghshe- jahan.
4. Chadim zadeh, Somayyeh, 2022 , The challenges of traditionalist thought and the necessity of rethinking in contemporary Iranian architecture, National studies.
5. Emami Mahdi- 2012- Tradition end traditionalism from the point of view of freithof schwan and Dr. Seyed Hossein Nasr, Comparative theology.
6. Hloly Quran, 2017, Translated by Hoseine- e Ansarian, Qom, Dar al-Qur'an al- karim organization.
7. Hojjat, easa, 2013, Tradition of traditionalists and traditionalism of architects, Tehran, fine Arts.
8. Javadi Almoli, Abdollah, 2007, The dignity of reason in the geometry of religious knowledge, Qom, Asra.
9. Kadivar, Mohsen, 2005, Meanings of tradition from the prespective of traditionalists , Articles and reviews.



10. Kandaq abadi, Hossin 2001, A look at the life and works of Contemporary traditionalists, Tose- e Danesh va pajooohesh- e iran.
11. Legenhousen, Mohammad, 2007, why am I not a traditionalist?, Keradnameh- e Hamshahri.
12. Legenhousen , Mohammad, 2004, contemporary issues of Islamic thought. Qom. Emam komeyni Intitute.
13. Mansoori, Seyyed Amir, 2015, criticism of traditionalists in the filed of Islamic art and Islamic architecture, Tabriz, firoozeh- e Eslam.
14. Ministry of Roads and urban planning ,2012 , Islamic Iranian city, Tehran.
15. Moosavi Gilani, Seyyed Razi ,2014, Criticism of traditionalist opinions about Islamic art , Theology of art, Number two.
16. Naghizadeh, Mohammad, 2016, Theory of life space: The Ideal city of Islam. Tehran, Azad university, Science and research Branch.
17. Nasr , Seyyed Hosein, 2010, Islamic art and spirituality, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance.
18. Nasr, Seyyed Hosein, 2014, In Search of holy matter, Theran: Nashre Nei.
19. Nejad Iran, Mohammad, 2016 , Cristicism of the Negative nature of traditionalism in Essays on the philosophy or religion, fifth year , NO 95, 101- 121.
20. Noghrekar, Abdolhamid, 2017,realization of identity in architecture and urban planning,Tehran,fekr-e-no
21. Noghrekar, Abdolhamid, An Introduction to the principles and foundations of Islamic architecture and urban planning, Tehran, Ministry of Roads and urban planning.
22. Noghrekar, Abdolhamid, Rabiee, Hadi, 2019, Essays on the nature of Islamic art, Tehran, Academy of Art.
23. Noghrekar, Abdolhamid,2015,Islamic wisdom in creating work of art, architecture and urban planning,Tehran,Sorush
24. Traditionalism article, in wikifegh: <http://wikifegh.ir>. Date of visit 2021





The analysis of the role of traditionalists in the contemporary urbanism (an approach to achieve the models of realization of Islamic city)

Seyed Majid Fareghian Qomi

phD student in department of urban planning ,Advancement in Architecture and Urban Planning reserch center, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad,Iran

Fereshteh Ahmadi
(Corresponding Author)

Assistant Professor in department of urban planning .Advancement in Architecture and Urban Planning research center, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad,Iran

Mustafa Behzadfar

Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning,Iran University of science and technology ,Tehran, Iran

Shirin Toghiani

Assistant Professor in department of urban planning, Advancement in Architecture and Urban Planning research center, Najafabad Branch, Islamic Azad University ,Najafabad,Iran

Received: 1396/12/07

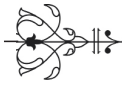
Accepted:1401/10/27

Abstract

Traditionalism as an approach in contemporary philosophy has a highly critical stance towards modernity. The opinions and critical views of traditionalists towards modernity in various fields, including the philosophy of art, have caused their views to be taken into account in the urbanism and architecture. Although almost none of the famous traditionalist theorists were architects or urban planners, their serious criticisms of modernity, has helped to shape the concepts such as the desanctification of the city space and the “secularization” of space and time. Also, Burkhart and Seyed Hossein Nasr works on Islamic art and the pathology of Islamic civilization have been created seriously prominent and influential in urbanism and Islamic architecture, especially in Iran.

At the same time, the opinions of traditionalists have faced serious criticism. This article tries to make an assessment of the achievements and shortcomings of this school, especially in the field of Islamic Iranian urbanism, by examining the traditionalist viewpoints and the criticisms leveled at theme and analysis of the effectiveness and capability of traditionalist viewpoints in the process of realizing the Islamic-Iranian city. This article reviews traditionalism according to its terminological definition. The above-mentioned traditionalists have suffered extremes and excesses. In this article, it is tried to introduce other approaches of fundamentalist traditionalists who have expressed the comprehensive and deeper relation between Islam and the creation of artworks, architecture and urbanism. It is also necessary to introduce these approaches for further and complementary of this research.

This research came to the conclusion that a large part of the achievements of traditionalism



in contrast with modernity is in the position of criticism of modernity, using the method of library documents in the information gathering stage and the method of logical reasoning in the analysis and inference stage. In such a way that the pathology of the adverse consequences of modernity in urbanism and architecture has been able to inspire and motivate many thinkers, experts, professors and decision-makers; However, in practice and in terms of realization and achieving the Islamic city, it has not been very successful. In this text, an attempt was made by exploring and examining this issue to reach an approach for the realization of the Islamic city.

key words: Islamic city, traditionalism, criticism of modernity, contemporary urbanism.

